

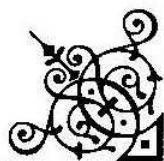
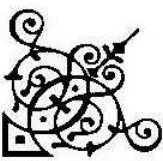
**شرح و تبیین نظریه
خطبات قانونیه امام خمینی (س)**

www.ketab.ir

نگارش

دکتر عابدین مومنی

دانشیار دانشگاه تهران



سرشناسه

مومنی، عابدین، ۱۳۳۸ -

عنوان و نام پدیدآور

: شرح و تبیین نظریه خطابات قانونیه امام خمینی (س) / نگارش عابدین مومنی

مشخصات نشر

: تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س)، مؤسسه چاپ و نشر عروج، ۱۳۹۵

مشخصات ظاهری

: ت، ۵۴۷ ص.

شابک

: 978 - 964 - 212 - 455 - 8

یادداشت

: کتابنامه: ص. [۵۳۵] - ۵۴۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

موضوع

: خطابات قانونی (فقه) / خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و بنیانگذار جمهوری اسلامی - ایران،

۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ - -- دیدگاه درباره خطابات قانونی (فقه) / خمینی، روح الله، رهبر انقلاب و

بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران، ۱۲۷۹ - ۱۳۶۸ - -- دیدگاه درباره اصول فقه

شیعه/ قانونگذاری (فقه) / اصول فقه شیعه -- قرن ۱۴.

شناسه افزوده

: مؤسسه چاپ و نشر عروج.

رده بندی کنگره

: ۸ - ۶ / ۶ / ۱۹۸ BP

رده بندی دیویی

: ۲۹۷/۳۷

شماره کتابشناسی ملی

: ۴۴۰۹۲۰

کد / م ۲۹۷۰



مؤسسه چاپ و نشر عروج

شرح و تبیین نظریه خطابات قانونیه امام خمینی (س)

نگارش: دکتر عابدین مومنی (دانشیار دانشگاه تهران)

ناشر: مؤسسه چاپ و نشر عروج (وابسته به مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (س))

چاپ اول: ۱۳۹۵

پنجمین تجدید نظر

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

نایب هیئت مدیره

قیمت: ۲۹۰۰۰ تومان

• فروشگاه شماره یک: خیابان انقلاب، بین ۱۲ فروردین و فخررازی، پاساژ ظروفچی، تلفن: ۶۶۴۹۳۰۸۱ - دورنگار: ۶۶۴۰۰۹۱۵

• فروشگاه شماره دو: خیابان انقلاب، چهار راه حافظ، تلفن: ۶۶۷۰۱۲۹۷

• مراکز بخش: امور نمایندگیها و نمایشگاهها، تلفن: ۶۶۴۰۴۸۷۳

• امور سفارشات و بازرگانی، تلفن: ۶۶۴۸۹۱۶۰

• فروشگاه مجازی مؤسسه عروج www.oroujpub.com

نشانی الکترونیکی: pub@imam-khomeini.ir

<http://imam-khomeini.ir>

فهرست مطالب

.....	دیاچه	ا
.....	مقدمه	ج
.....	نقش علم اصول در تثبیت اجتماع	ج
.....	نقش علم اصول در تثبیت مذهب	ط
.....	توانمند سازی اجتهاد	ع
.....	گام‌های بلند امام خمینی (س) در تحول علم اصول فقه	ق
.....	بخش اول: کلیات	ا
.....	فصل اول: زمینه‌ها و پیشینه پیدایش نظریه خطابات قانونی	۳
.....	لزوم وجود زمینه جهت پیدایش نظریه‌های علمی	۳
.....	شناخت هر نظریه مستلزم شناخت پیشینه آن است	۵
.....	پیشینه نظریه خطابات قانونیه	۱۰
.....	دیدگاه شیخ محمد تقی اصفهانی	۱۵
.....	نقد سید علی قزوینی بر کلام شیخ بهائی	۱۶
.....	نقد شیخ انصاری بر نظریه شیخ بهائی	۲۰
.....	نقد نظریه شیخ بهائی با نظریه ترتب	۲۶
.....	محقق کرکی؛ مبدع نظریه ترتب	۲۷
.....	دیدگاه شیخ جعفر کاشف الغطاء در ترتب	۳۰

۳۲	نقد شیخ انصاری بر نظریه ترتب
۳۴	راه‌های تصحیح نظریه ترتب
۳۵	تصحیح نظریه ترتب با شرط متأخر
۳۸	نقد آخوند خراسانی بر تصحیح نظریه ترتب با شرط متأخر
۳۹	دیدگاه نایینی در تصحیح نظریه ترتب
۶۷	تأثیر نظریه نایینی در تصحیح نظریه ترتب
۶۸	مولد حریه خطابات قانونی
۷۳	فصل دوم مبانی نظریه خطابات قانونی
۷۳	ضرورت توسعه مابین نظریه‌های علمی
۷۵	مفهوم کلمه خطابات
۷۹	مفهوم کلمه قانون
۸۱	تعریف خطاب قانونی
۸۳	آیا در تشریح شرایع رویه مستقل از روی عرفی وجود دارد؟
۸۷	خطابات قانونی و موازین منطقی
۹۲	قضیه حملیه موجبه محصوره ذهنیه
۹۵	قضیه حملیه موجبه محصوره خارجیه
۱۰۲	تفاوت دو تعریف قضیه خارجیه
۱۰۳	اقسام قضیه خارجیه
۱۰۴	قضیه موجبه محصوره حقیقه
۱۰۷	تفاوت قضایا
۱۰۹	قضیه خارجی و حقیقی در علم اصول
۱۱۴	تعریف اصولی‌ها از قضیه خارجیه و حقیقه
۱۱۴	تعریف شیخ انصاری از قضایا
۱۱۵	تعریف آخوند خراسانی از قضایا
۱۱۶	تفسیر نایینی از قضایا

- تفسیر و تعریف آیت‌الله بجنوردی از قضایا ۱۲۰
- تفسیر امام خمینی (ره) از قضایا ۱۲۴
- تعریف شیخ محمد حسین اصفهانی از قضایا ۱۲۸
- اساس و ریشه مشکل در تفسیر قضایا ۱۳۰
- کلی و اقسام آن در منطق ۱۳۶
- کلی منطقی، طبیعی، عقلی ۱۴۲
- عدم اختصاص اقسام منطقی، طبیعی، عقلی به کلی ۱۴۵
- وجود یا عدم وجود کلی منطقی، طبیعی و عقلی ۱۴۷
- دومین تقریر اختلاف در وجود کلی طبیعی ۱۵۳
- فصل سوم: دیدگاه اصولیان - گونه‌ها - توجه تکلیف به افراد ۱۵۹
- طرح مسئله و تحریر محل بحث ۱۵۹
- جهات بحث در خطابات شرعیه ۱۶۷
- ۱ - از حیث متعلق خطاب ۱۶۸
- ۲ - از حیث فعلی و منجز بودن متعلق خطاب ۱۶۸
- ۳ - از حیث اجتماع خطاب‌های متضاد ۱۶۹
- ۴ - از حیث هم‌زمانی دو خطاب و تعلق آن به یک نفر ۱۷۰
- ۵ - از حیث نحوه تعلق خطاب به مکلفین با حالات گوناگون ۱۷۱
- مفهوم طبیعت و افراد ۱۷۲
- ریشه و اساس مشکل در تعلق طلب به طبایع یا افراد ۱۷۸
- راه‌حل‌های دفع شبهه ۱۷۹
- نظریه بدیع امام خمینی (س) در تعلق طلب به طبایع یا افراد ۱۸۳
- نقد دیدگاه آقا ضیاء عراقی در متعلق طلب ۱۸۹
- وجود کلی طبیعی در خارج ۱۹۲
- نقد و ابطال استدلال‌هایی که برای اثبات ادعای رجل همدانی اقامه شد ۱۹۸
- نقد استدلال دوم که به وکالت از رجل همدانی اقامه شد ۲۰۱

۲۰۴.....	نقد استدلال سوم رجل همدانی.....
۲۰۶.....	نظریه محققانه در مورد وجود کلی طبیعی.....
۲۰۸.....	نقد دیدگاه آقا ضیاءالدین عراقی در وجود کلی طبیعی در خارج.....
۲۱۶.....	انحلال امر و تکلیف، نتیجه انحلال کلی طبیعی بر حصر.....
۲۲۱.....	آثار نزاع رجل همدانی و شیخ الرئیس در کلی طبیعی در علم اصول.....
۲۲۳.....	جمعه‌ی رزیده دیدگاه امام خمینی.....
۲۲۷.....	فصل چهارم: تبیین نظریه خطابات قانونیه.....
۲۲۷.....	خطاب‌های مخصوص کلی.....
۲۳۰.....	مصادق‌های خطاب شخصی از نظر امام خمینی.....
۲۳۲.....	غفلت از خطاب‌های شخصی و نزاع‌های اصولی.....
۲۴۰.....	تحلیل استدلال‌های امکان و امتناع خطاب به عاجز، غافل و.....
۲۴۲.....	امتناع خطاب شخصی به عاجز و غافل و امثال آن از نظر امام خمینی.....
۲۴۴.....	پیشینه تقسیم خطاب به کلی و شخصی.....
۲۴۶.....	خلط میان حکم کلی و جزئی.....
۲۴۹.....	تقید یا عدم تقید احکام شرعی به قدرت.....
۲۵۸.....	نقد نظریه علامه حائری در تقید موضوعات احکام به قدرت.....
۲۶۴.....	امر به ضدین در زمان واحد.....
۲۷۲.....	تقید تکلیف به قدرت و رفع محذور دو خطاب هم‌زمان از نظر آیت‌الله عراقی.....
۲۷۴.....	مقدور و ممکن بودن فرمان به دو ضد.....
۲۷۸.....	مناط عدم اقتضای خطاب‌ها، هم‌زمانی و با هم بودن تکالیف.....
۲۸۴.....	عدم انحلال خطاب‌های کلی به خطاب‌های شخصی.....
۲۹۵.....	اراده تشریحیه یعنی اراده قانون‌گذاری و جعل به نحو عموم.....
۳۰۱.....	تلیخیص و بیان اجمالی نظریه خطابات قانونی.....
۳۰۷.....	خطابات قانونیه و قضایای منطقی.....
۳۲۰.....	خطابات شفاهیه و قضیه حقیقه.....

۳۲۷	بخش دوم: کاربردهای خطابات قانونیه
۳۲۹	فصل اول: نیاز به نظریات جدید و کاربردی در حوزه اجتهاد
۳۲۹	تبیین موضوع
۳۳۰	ارزش تئوری و نظریه‌های اصولی
۳۳۲	اجتهادات پیشین و نظریه خطابات قانونیه
۳۳۶	انفتاح اجتهاد و تولید قهری نظریات جدید
۳۳۸	انتظار عصر حاضر از فقه
۳۴۱	عظمت و بزرگی سنیان اجتهادات جدید
۳۴۵	فصل دوم: نظریه خطابات قانونیه و آتش تعیین کننده عنصر زمان و مکان در اجتهاد
۳۴۵	ادعای ابهام در تعیین کنندگی عنصر زمان و مکان در اجتهاد
۳۴۸	عدم ارتباط تأثیر زمان و مکان در اجتهاد با مسئله تغییر موضوع
۳۵۲	تغییر ملاکات احکام و عدم ارتباط آن با مسئله تأثیر زمان و مکان در اجتهاد
۳۶۰	رفع شبهه تأثیر زمان و مکان در اجتهاد با نظریه خطابات قانونیه
۳۷۱	فصل سوم: خطابات قانونیه و اجرای مجازات در محان
۳۷۱	اصل صلاحیت سرزمینی قوانین کیفری و توضیح محل جرم
۳۷۹	فصل چهارم: خطابات قانونیه و مسئله طلب و اراده و امکان صدور حکم
۳۷۹	منشأ پیدایش نزاع در مسئله طلب و اراده
۳۸۱	نزاع دانشمندان در تکلم الهی سبب نام‌گذاری دانش اعتقادی به علم کلام
۳۸۲	دامنه اختلاف در کلام الهی
۳۹۱	انتفای شرایط مأمور واقع شدن مخاطب و جواز یا عدم جواز صدور امر
۴۰۱	فصل پنجم: خطابات قانونیه و مسئله ترتب
۴۰۱	منشأ پیدایش نظریه ترتب
۴۱۱	نقد امام خمینی (س) از نظریه ترتب
۴۴۵	امکان صدور امر به دو تکلیف اهم و مهم در عرض یکدیگر

فصل ششم: خطابات قانونیه وامکان یا عدم امکان اجتماع امر و نهی.....	۴۶۳
منشأ مطرح شدن مسئله اجتماع امر و نهی.....	۴۶۳
منشأ نظریه عدم جواز اجتماع امر و نهی.....	۴۷۰
بررسی وابستگی جواز اجتماع امر و نهی به وجود مندوحه.....	۴۷۲
کاربرد خطابات قانونیه در رفع مشکل اجتماع امر و نهی.....	۴۷۴
عدم رجوع ملاک تضاد میان احکام خمسہ.....	۴۷۷
فصل هفتم: خطابات قانونیه و حکم تکلیف کفار نسبت به فروع دین و.....	۴۸۵
تبیین موضوع.....	۴۸۵
مسئله خطابات سفای.....	۴۹۸
دیدگاه امام خمینی نسبت به خطابات شفاهیه.....	۵۰۲
فصل هشتم: خطابات قانونیه و ابزاری مکلف به اطراف علم اجمالی.....	۵۱۱
تبیین موضوع.....	۵۱۱
تحریر امام خمینی از شرطیت ابتری اطراف علم اجمالی برای مکلف واحد.....	۵۱۸
دیدگاه امام خمینی در شرط ابتلای اطراف علم جمالی برای مکلف واحد.....	۵۲۰
فهرست منابع.....	۵۳۵

WWW.KETABO.COM

بسمه تعالی

دیباچه

حضرت امام خمینی (س) نه تنها یک رهبر سیاسی و انقلابی بوده‌اند که یک رهبر فرزانه علمی هم بوده‌اند، در علم فقه، اصول فقه، در آراء الحدیث، روایة الحدیث، رجال، فلسفه، عرفان و اخلاق، تفسیر، ادبیات و امثال آنها هم صاحب نظر و مجتهد بوده‌اند و در این رشته‌ها هم آراء و اندیشه‌های ناب دارند که با شخصه‌های طراز اول این علوم هم ترازوی و برابری دارند، جز این که بسیاری از نظرات حضرت امام آن گونه که شایسته و حق آن نظریات است شناخته نشدند، و نیز تحلیل درست و دقیق نگذشتند. شناساندن آراء بدیع و نوری حضرت امام نه تنها وظیفه انقلابی، ملی و دینی است بلکه خدمت بزرگ علم و دانش می‌باشد. اهل علم در صورت اطلاع و آگاهی از نظریات علمی و دینی امام خمینی (س) و تحلیل دقیق آن می‌توانند به رشد علم و پیشرفت آن خدمت ارزشمند نمایند. از جهت آن که این نظریات در حوزه علوم دینی ارائه گردید، موجب ارتقاء فهم و درک دینی می‌شود و خدمت ارزشمند به دین و دینداران هم می‌شود. از جمله نظریه‌های بدیع، عمیق و گره‌گشای امام خمینی (س) «نظریه خطابات قانونیه» است که در این اثر به تحلیل آن پرداخته شده است که جنبه نظری و علمی این نظریه

ب □ شرح و تبیین نظریه خطابات قانونیه امام خمینی(س)

نمایانده شده است و نویسنده به اندازه وسع و مقدار بهره‌ای که از مکتب علمی امام(ره) تحصیل کرده به تبیین جنبه نظری و علمی آن پرداخته است که در واقع معرفی مقدار فهم و معرفت نویسنده است. نه سطح اندیشه حضرت امام(س). صرفاً ابراز ارادت به حضرت امام و اظهار علاقه به اندیشه‌های والای امام خمینی(س) است. در این اثر به اظهارنظرهایی که در مورد نظریه خطابات قانونیه انجام گردید پرداخته نشد در حالی که به آن اظهارنظرها توجه داشته و مروری هم به آن اظهارنظرها داشته است، به جهت آن که نویسنده تبیین جنبه‌های نظری و عملی خود نظریه بوده است. قصد پرداختن به مباحث نظریه و نقد اظهارنظرهای انجام یافته در پیرامون نظریه را نداشته است که پرداختن به آن نیاز به اثر مستقل دیگر دارد که اگر توفیقی حاصل شود انجام خواهد شد. اگر در این اثر دست‌آوردی ملاحظه گردید نویسنده را ارشاد فرمائید تا از راهنمایی‌های ارزشمند شما تشکر کند، و تفکرین، خدمتی به شناساندن درست اندیشه‌های امام خمینی(س) انجام شود و دقیق‌تر با افکار و اندیشه‌های والای حضرت امام آشنا و از آن درست‌تر بهره‌برداری نمایند.

به وجود آمدن این اثر مرهون لطف و بزرگواری برادر ارزشمند، انقلابی، متدین، دانشمند و فاضل جناب آقای دکتر حمید انصاری است که نیز ترفیق ارزشمند را برای اینجانب فراهم کرده‌اند، لذا بر خودم فرض می‌دانم که قدردان شما و الطاف کریمانه برادر گرامی و ارزشمند خودم باشم و از محبت‌های بزرگوارانه ایشان تشکر نمایم، خداوند متعال بر توفیقات ایشان بیفزایند و در خدمت به اسلام و اهل اسلام موفق نمایند و از دست‌اندرکاران مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی(س) و انتشارات عروج که خدمت مفید و شایسته می‌نمایند نیز تشکر و سپاسگزارم.

عابدین مؤمنی

دانشیار دانشگاه تهران، دانشکده الهیات و معارف اسلامی

مقدمه

نقش علم اصول در تثبیت اجتهاد

علم اصول فقه دوره‌های مختلفی را پشت سر گذاشت، و در هر دوره‌ای فرزندگان و صاحب نظران، با رویکرد و انگیزه خاصی به تالیق و تأمل و تدوین اصول فقه پرداخته‌اند، نخستین انگیزه‌ای که موجب تألیف و نگارش علم اصول فقه شد، دفاع از مشروعیت اجتهاد و نظام‌مند کردن آن بوده است، زیرا در عهد اول مهم‌ترین شبهه‌ای که به وجود آمد، جواز و مشروعیت اجتهاد، اجتهادی بودن فتوا و حکم، و پیشگیری از پدید آمدن هرج و مرج در فتوا دادن بوده است. شبهه‌ای که مشروعیت و جواز اجتهاد را زیر سوال برد، «ظنی» بودن استنباطات احکام شرعی از طریق اجتهاد است، زیرا احکام یا از طریق دلالت‌های الفاظ است که در فهم از الفاظ قطعیت وجود ندارد یا از طریق نقل است، که نسبت به نقل تواتری در حوزه احکام عملی باید گفته شود که بسیار اندک است، اکثر نقلیات از طریق خبر واحد است که افاده ظن می‌کنند. طرق دیگری که در استنباط احکام وجود دارد هم افاده ظن می‌کنند. به همین جهت در جواز

۱. رش: المستصفی، ج ۲، ص ۲۴۱؛ المده فی الاصول الفقه، ص ۶۵۰؛ نهایة الاصول، ج ۳، ص ۳۷۷ و ۵۲۵، ج ۵.

ص ۱۷۳؛ فواتح الرحموت، ج ۲، ص ۳۱۰؛ منهاج الوصول، ص ۵۹۴؛ ارشاد الفحول، ج ۲، ص ۲۹۳.

د □ شرح و تبیین نظریه خطابات قانونیه امام خمینی (س)

اجتهاد برای پیامبر (ص) اختلاف شدید به وجود آمد.^۱

امامیه طریق ظنی را برای پیامبر (ص) و ائمه هدی (ع) مجاز نمی‌دانند، لذا حکم به عدم جواز برای اجتهاد پیامبر (ص) و ائمه معصومین (س) کرده‌اند، اما طریقت ظنون برای غیر معصوم را از باب «تسهیل» بر بندگان خدا مجاز دانسته‌اند.^۲ اما مذاهبی که اجتهاد را برای پیامبر (ص) مجاز دانسته‌اند قائل به طریقت و حجیت ظنون به صورت مطلقه شده‌اند و برای صاحب عصمت و دریافت‌کننده وحی با غیر او فرقی قائل نشده‌اند.

به هر حال، دانش‌اندان علم اصول از نخستین کتاب‌هایی که نوشته‌اند تا کنون برای پاسخگویی به شبهه ظنی بودن استنباط و دفاع از حجیت ظنون در احکام عملی و فروع دین تلاش کرده‌اند. به عنوان دیگر ظنی بودن استنباط احکام شرعی را انکار نکرده‌اند، اعتبار و حجیت ظنون را عقلاً دست‌نخورده دانسته‌اند.^۳

با قبول حجیت ظنون، راه برای پیدایش هرج و مرج در فتوا دادن‌ها باز خواهد شد، هر کسی ممکن است ادعای مجتهد بودن و فتوا دادن کند و رأی و سخن خودش را ظنی بشمارد و مدعی شود که رأی و نظر او در حد رأی و اجتهاد کسانی است که قدرت رد فروع به اصول را دارند و مجتهد بودن آن‌ها مسلم و محرز است. سبب ادعایش اینست که رأی و اجتهاد آن فقیه و مجتهد، محتمل الصدق و محتمل الصّحه است؛ یک دوم احتمال داده می‌شود که نظرش صحیح و درست باشد. در عین آنکه احتمال درست بودن رأی او عقلایی است، قابلیت پذیرفتن را دارد، احتمال خطا بودن

۱. ر.ش: المستصفی، ج ۲، ص ۳۵۵؛ العدة فی اصول الفقه، ص ۷۲۳؛ المعتمد، ج ۲، ص ۱۷۶؛ نهج الحق، ص ۴۰۵؛

مبایذ الوصول، ص ۲۴۰؛ نهایة الوصول، ج ۵، ص ۱۷۲؛ زبدة الاصول، ص ۴۱۰؛ فوائذ الرحموت، ج ۲، ص ۳۶۶؛

منهاج الوصول، ص ۷۲۷؛ ارشاد الفحول، ج ۲، ص ۲۱۷.

۲. ر.ش: فوائذ الاصول، ج ۳، ص ۹۳.

۳. ر.ش: انوار الهدایه، ج ۱، ص ۱۰۵ و ۲۰۴.

آن هم وجود دارد.^۱ با قبول امکان و احتمال خطا بودن رأی و اجتهاد مجتهد، مدعی همین وصف را برای نظر و رأی بدون مبنای خودش مطرح می‌کند که به اندازه رأی مجتهد احتمال صحیح و درست بودن رأی و نظرش وجود دارد و هیچ ترجیحی میان نظر او و اجتهاد مجتهد وجود ندارد، همان‌گونه که توجه به رأی و اجتهاد مجتهد خردمندانه و عالی‌ی است، مدعی هم رأی و نظر خودش را قابل اعتنا و عقلانی می‌شمارد. بر نتیجه میان آرای اهل اجتهاد و و آرای مدعیان اجتهاد اختلاط و اشتباه پدید می‌آید، هر کسی برای خودش صلاحیت فتوا دادن می‌شود و در عرصه دینداری هرج و مرج بی‌جود می‌آید، مردم به بیراه‌هایی دعوت می‌شوند، امکان دارد بعضی به علت ناتوانی در در تشخیص برادی که واقعاً صلاحیت فتوا دادن دارند با افرادی که مدعی صلاحیت هستند، به دنبال مدعیان صلاحیت راه بیفتند، آنها را بر مجتهدان واقعی ترجیح دهند. آن‌گاه جلسه اسلامی در دچار هرج و مرج نمایند و در امور دینی مردم مسأله آفرینی کنند. البته اتفاق ندادن این‌گونه امور و مسائل در جامعه بعید نیست و وضعیتی که جهان اسلام دارد، نشان از رخ دادن این‌گونه اتفاقات نامبارک دارد.

اما تدبیری که برای این‌گونه مشکلات و دردها در جامعه دینی و اسلامی اندیشیده شد، کشف علم اصول و تأسیس علم اصول بوده است، چنانکه شیخ فخرالدین رازی نسبت داده شد^۲ که محمد بن ادریس شافعی امام مذهب شافعیه در عهده را از بابت آنکه ایشان را مؤسس علم اصول می‌دانند با ارسطو مقایسه کرده است^۳ که هر دو به وضع قواعدی روی آورده‌اند که فکر و اندیشه را از افتادن در خطا باز خواهد داشت و

۱. رش: المستصفی، ج ۲، ص ۳۵۷؛ العده، ص ۷۲۴؛ فواتح الرحموت، ج ۲، ص ۳۸۰؛ نهایة الوصول، ج ۵، ص ۱۹۷؛

زبدة الاصول، ص ۴۱۲؛ ارشاد الفحول، ج ۲، ص ۲۲۷؛ منهاج الوصول، ص ۷۱۹.

۲. رش: رش: نوره بوحناس، مقاصد الشریعه عند الشاطبی، ص ۳۴۲.

۳. رش: مناقب الامام الشافعی، ص ۱۱۳.

از لغزش فکر جلوگیری خواهد کرد، جز اینکه انگیزه آن دو نفر متفاوت بوده است، حکیم ارسطو درصدد به دست آوردن قواعد کلی عقلی بوده که فکر و اندیشه را از لغزش باز خواهد داشت، تلاش ارسطو برقراری نظم و ترتیب صوری میان مقدمه‌های ضروری و نتیجه‌ای که از آن مقدمه‌ها به دست می‌آید بوده است، به گونه‌ای که قوانین منطقی بر روی آن نظم و ترتیب را پذیرفته و به آن اقرار کرده است. علم منطقی ملتزم به انجام دادن و و ادای کار اصلی و بسیار مهمی می‌باشد که آن کار بسیار مهم و اصلی عبارتست از «... رسیدن به قواعد کلی برای فکر انسانی و رعایت کردن آن قاعده‌ها که نتیجه رعایت قواعد، نداشتن لغزش و معصوم بودن در فکر می‌باشد و این معصومیت و نداشتن لغزش به صورت مطلق در هر حال است. با توجه به نتیجه رعایت قواعد منطقی، موضوع منطقی ملتزم به فکر صرف و مجرد می‌باشد و با التزام به فکر مجرد و صرف، منطقی آلتی از آلت‌های نفس و آلام است که کلام صحیح و درست از کلام بیمار و سقیم شناخته می‌شود و معنای ناسد و غلط از معنای صالح و پذیرفته شده، تمیز داده می‌شود، بنابراین منطق همانند ترازو است که کفه سنگین از سبک شناخته می‌شود.

علم اصول فقه نیز همانند ترازو است ولی اصول فقه ترازو در به دست آوردن حکم شرعی است. از آن مطالبه عصمت و رخ ندادن لغزش می‌شود. با این تفاوت که اصول فقه در میان انبوه ابزار و ادوات مطالبه عصمت، هرگز به پرستن صوری میان مقدمه‌ها و نتیجه‌ها راضی نخواهد شد، غرض ذاتی و اولی علم اصول فقه محکم و استوار کردن راه‌های استخراج حکم شرعی است.^۱

برای این که مسأله بهتر درک شود لازم است توضیح داده شود که: شأن فقیه در

۱. مقاصد الشرعیه عندالشاطبی، ص ۳۴۲ و ۳۴۳ و نیز رش: شهید صدر، دروس فی علم الاصول، الحلقة الاولی،

فقه همانند شأن دانشمندان دیگر علوم است که کار فکر کردن را تمرین و ممارست می‌کند، این کار عبارت است از بیان حدود وظیفه و تکلیف و موضع‌گیری عملی داشتن در برابر شریعت. برای اینکه ابعاد این کار فکری برای رسیدن به جایگاه و موضع شرعی روشن گردد، از چند نمونه ساده از این عمل و کار فکری در جمله‌های کوتاه کمک می‌گیریم تا از طریق بررسی این نمونه‌ها و مقارنه و سنجش آن‌ها با یکدیگر به درک و فهم عنصرهای مشترکی که در عملیات استنباط فقهی نقش دارند، برسیم. فرض کنید فقهی با سوالات زیر روبرو شد.

۱ - آیا بر شخص روزه دار سر و گردن در آب حرام است؟

۲ - آیا بر شخصی که لباسش را به ارث برد پرداخت خمس آن واجب

است؟

۳ - آیا قهقهه (بلند خندیدن) در وسط نماز نذر را باطل می‌کند؟

وقتی فقیه با این سوالات روبرو شد و خواست آن‌ها را پاسخ دهد، برای مثال به سوال اول پاسخ می‌دهد که بله فرو کردن سر و گردن در آب برای روزه‌دار حرام است، فقیه این حکم شرعی را به روش زیر استنباط می‌کند:

روایت یعقوب بن شعیب از امام صادق (ع) بر حرام بودن فرو کردن سر و گردن در آب برای روزه‌دار دلالت دارد، چون در کلام امام صادق (ع) آمده است: «لا یرتمس المحرم فی الملاء و لا الصائم»^۱ یعنی: شخصی که در لباس احرام است و شخصی که روزه دارد، در آب فرو نمی‌رود. در عرف عمومی مردم جمله‌ای که این ساختار و ترکیب را دارد بر حرمت دلالت می‌کند. راوی این جمله، که یعقوب بن شعیب است، موثق است، شخص موثق اگرچه گاهی مرتکب خطا در نقل و گفتار و دریافت درست مطلب می‌شود با آنکه خطای او نادر و اندک می‌باشد، ولی شارع به ما دستور داد که

فرد موثق را متهم به خطا نکرده و نگوییم راهیابی او به حق اندک است و شارع روایت فرد موثق را دلیل شمرده و به عنوان دلیل آن را معتبر قرار داد و به ما دستور داد از آن روایت تبعیت کنیم، بدون آنکه احتکال دچار شدن به خطا یا راهیابی اندک او به حق را به عنوان ذهن فراموشکار عیب‌جویی نماییم.

نتیجه معتبر شمردن روایت فرد موثق و دستور به تبعیت از آن، اینست که فرو رفتن در آب بر روزه‌دار حرام است، کسی که به مرتبه تکلیف رسیده و مکلف است، در حال روزه‌داری، به حکم پیروی از شریعت ملزم به انجام ندادن آن و ترک فرو رفتن در آب می‌باشد.

از روایت علی بن مزیر^۱ و روایت زراره^۲ دانسته می‌شود که شارع خمس بر میراث قرار نداده است و قهقهه زراره را اطل می‌کند و شارع تبعیت از آن روایت‌ها را واجب کرده است.^۳

با نمونه‌هایی که ذکر شد روشن گردید که در تحصیل حکم چه چیزهایی دلیل شمرده می‌شوند و اگر احکام از چه طریقی به دست آید، خطا و اشتباه نخواهد بود. بر این اساس اصول فقه را منطق فقه شمرده‌اند که ضابطه درست به دست آوردن حکم را در اختیار فقیه و مجتهد قرار می‌دهد که اگر مجتهدین به عدل ملتزم باشند و قواعد تحصیل احکام شرعی را درست رعایت کنند، نه تنها از خطا در فکر فقهی در امان هستند، جلوی هرج و مرج در فتوا هم گرفته می‌شود و هر کسی که استدلال کند که نباید در حوزه فتوا دادن وارد شود. روشن است که منظور از «از خطا در فکر مصون خواهند بود» بی‌شک این نیست که فتواها لزوماً نسبت به حکم واقعی صحیح و درست هستند و با حکم واقعی منطبق می‌باشند که چنین ادعایی بی‌شک مردود است و هیچ فقیهی

۱. رش: همان، ج ۹، ص ۵۰۲، باب ۸ از ابواب ما یجب فیہ الخمس، حدیث ۵.

۲. رش: همان، ج ۷، ص ۲۵۰، باب ۷ از ابواب قواطع صلاة، حدیث ۱.

۳. المذهب‌الذاتی فی نظریة المعرفة، ص ۵۰۵ - ۵۰۷.

چنین ادعایی ندارد و احتمال خطا بودن هر فتوایی وجود دارد، بلکه منظور راه تحصیل احکام شرعی است که باید از منابع و دلیل‌های مورد قبول شرع تحصیل گردد، صحیح است و منظور از فکر فقهی همان تحصیل احکام از منابع و دلیل‌های مورد قبول شرع می‌باشد.

نقش علم اول در تثبیت مذهب

کارکردی دیگر که علم اصول فقه در تاریخ فقه و اجتهاد داشته است، تثبیت مذاهب فقهی بوده است. از روی سبب و یقین می‌شود گفت هیچ‌کسی برای تأسیس مذهب در تاریخ فقه برنخاسته بود، مگر این‌گونه نبود که کسی به پاخیزد و اعلان نماید که در صدد وضع و ایجاد مذهب است، بلکه مقبولیت‌هایی که یا به صورت عادی و معمولی برای شخصی به وجود آمد و یا آنکه حکومت برای شخصی مقبولیت ایجاد کرده بود و مردم تابع نظر اشخاص مقبولیت‌یافته شدند، منجر و منتهی به مذهب شدن یک جریان شده است. چنان‌که عالم فرزانه مرحوم اسد حیدر از پیشوایان مذاهب نقل کرده‌اند که آن‌ها مردم را دعوت به تقلید و پیروی از خودشان نکرده‌اند، بلکه تقلید را مذمت کرده‌اند، چنان‌که از ابوحنیفه نقل کرده‌است که گفته‌است:

«این نظر من است، بهترین چیزی که من می‌توانستم نظر من این بود، هر کسی نظری غیر از رأی و نظر من بیاورد [که بهتر از نظر من باشد] من آن را پسند کرده و می‌پذیرم. حرام است بر کسی که دلیل مرا در فتوایم نمی‌داند به کلام و رأی من فتوا دهد.»

از مالک بن انس نقل کرده‌اند که گفت: «من صرفاً بشری هستم که در نظریات و آرای خودم نظر درست دارم و دچار خطا می‌شوم، رأی مرا بر کتاب و سنت عرضه کنید.»

از شافعی نقل کرده که گفته‌است: «هرگاه حدیث منقول از پیامبر (ص) صحیح است

و آن حدیث با رأی و نظرم مخالف می‌باشد، رأی مرا بزیند به سینۀ دیوار.»

بنابر نقل حیدر ابن حنبل گفته‌است: «از محدودیت و تنگی علم و دانش مردم اینست که تقلید از رجال و مردم می‌کنند، نسبت به دین خودت، تقلید رجال و مردم نکن، زیرا هرگز آنها از دچار شدن خطا و غلط مصون نبوده، در امان نیستند. به احمد گفته شد: چرا برای پیروان و یارانت کتابی در فقه قرار نمی‌دهی؟ احمد در پاسخ گفت: «آیا برای کسی سخنی با وجود سخن و کلام خدا و رسول خدا وجود دارد؟»

پس از نقل این امر، پیشوایان مذاهب چهارگانه فقهی در مذمت تقلید، سخنان بعضی از علما و متاخران اسلام در مذمت تقلید را بیان کرده‌است.^۱ از مذمت پیشوایان مذاهب چهارگانه فقهی استنباط می‌شود که اراده آنها از روز اول به تأسیس مذهب نبوده است، بلکه در جامعه سلامی، عالمان حوزه‌های دینی در انواع علوم دایر می‌کردند، سرانجام تدریس و آموزش آنها، پیدایش مذاهب در جامعه منجر شده است که البته شرایط سیاسی - اجتماعی زمان در پدید آمدن بعضی مذاهب موثر بوده است. آن شرایط هم تأثیر ایجابی داشته است و هم تأثیر سلبی، یعنی بعضی از شخصیت‌ها و پیروانش با حکومت‌ها در تعارض برده‌اند و بعضی دیگر همراه بوده‌اند. آن‌هایی که با حکومت وقت همراه بوده‌اند با حمایت و تقریب حکومت، کسب موقعیت کرده‌اند و آن‌هایی که با حکومت معارض بوده و مخالفان می‌گردند به انسجام دست یافتند و مذهبی در مقابل مذهب مورد حمایت حکومت قرار دادند.^۲ چنان‌که دکتر حسن حنفی به اجمال و اشاره گفته‌اند:

میان علم اصول دین و علم اصول فقه در نزد شیعه و اهل سنت ارتباط وجود داشت و اینکه اصول تشریح منحصرأ از قاعده‌های عقاید مدد و کمک می‌طلبید. چون

۱. الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۸۷ و نیز درش: کتاب الفروع، ص ۱۶۹۶.

۲. درش: الامام الصادق و المذاهب الاربعه، ج ۱، ص ۱۸۰ و ۲۲۸ - ۲۲۹.